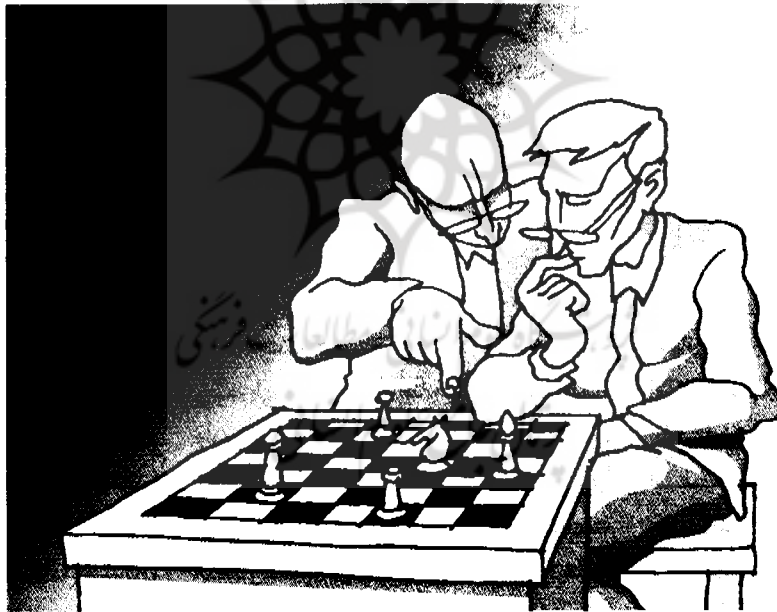


حسابرسی مبتنی بر ریسک

حسابرسی مبتنی بر ریسک را می‌توان فرآیند شناسایی و گزارش ریسک تحریف‌های با اهمیت در صورت‌های مالی دانست

دکتر حسین زارعی



ثانیاً حسابرسی باید تعیین کند که چقدر و چگونه روش‌های خود را برای حوزه‌های کم ریسک کاهش می‌دهد. هم‌چنین جهت شناسایی ریسک تحریفات با اهمیت باید موارد زیر تجزیه و تحلیل شود:
الف) ریسک واحد تجاری (ریسکی که یک

رویداد بر تحقق اهداف شرکت اثر منفی می‌گذارد).

ب) چگونگی برخورد مدیریت با ریسک‌های مذکور.

ج) تعیین محدوده‌ی ریسک‌هایی که مدیریت به آن‌ها توجهی نکرده است.

نگارنده در این نوشتار ابتدا به بیان تفاوت‌های حسابرسی مبتنی بر ریسک با

حسابرسی مبتنی بر ریسک را می‌توان به‌عنوان فرآیند شناسایی و گزارش ریسک تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی دانست. از این‌رو، اولاً حسابرسی نیازمند شناسایی حوزه‌هایی است که دارای ریسک بالایی از تحریفات با اهمیت‌اند؛ ریسک‌های مذکور محدوده‌هایی هستند که مستلزم کاربرد روش‌های گسترده‌تری خواهند بود.

ریسک به مثابه‌ی مهم‌ترین گرایش حسابرسی مستقل برای پاسخ به مساله فوق بود. در صورتی که حسابرسی مبتنی بر ریسک به‌درستی انجام گیرد، فنون آن می‌تواند ضمن کمک به توسعه راهبردهای تجاری واحد تحت حسابرسی، کارایی کل گروه حسابرسی را نیز به‌طور قابل ملاحظه‌ای ارتقا بخشد.

مقدمه

شاید مهم‌ترین مساله‌ی حسابرسی آن است که حسابرس چگونه می‌تواند علاوه بر افزودن به ارزش محصول (صورت‌های مالی) مشتری‌اش، سودآوری کار خود را نیز افزایش دهد؟ در دهه‌ی گذشته، حسابرسی مبتنی بر

حسابرسی سنتی (حسابرسی مبتنی بر سیستم و مبتنی بر ترازنامه) می‌پردازد، سپس ضمن ارائه محدودیت‌های حسابرسی سنتی، مزایای حسابرسی مبتنی بر ریسک را برمی‌شمرد. آن‌گاه جهت کاربردی کردن مباحث، مراحل اجرای حسابرسی مبتنی بر ریسک در یک شرکت بررسی می‌شود.

امید است نوشتار حاضر بتواند در استفاده علمی تر از این رویکرد سهمی داشته باشد.

تفاوت‌های حسابرسی مبتنی بر ریسک با حسابرسی سنتی

عمده‌ترین تفاوت‌های بین حسابرسی سنتی و حسابرسی مبتنی بر ریسک شامل موارد زیر است: الف) نوع ریسک‌هایی که مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، و ب) چگونگی ارزیابی ریسک‌های مذکور.

به‌طور کلی، رویکرد حسابرسی سنتی تنها بر ریسک‌های حسابرسی متمرکز دارد. در برنامه‌ریزی یک حسابرسی، حسابرس الف) نگران آن است که کنترل‌های داخلی کافی وجود داشته باشد و در عمل نیز به‌نحو مناسب اجرا شود (ریسک کنترل)، ب) روش‌های حسابرسی مورد عمل بتوانند تحریف‌ها را کشف نمایند (ریسک کشف) و ج) هم‌چنین حسابرس نگران ریسک ذاتی است، یعنی عواملی که بر ثروت مالی سازمان اثر می‌گذارد اما مدیریت و کنترل آن‌ها دشوار است.

حسابرسی مبتنی بر ریسک نسبت به حسابرسی سنتی یک گام به جلو می‌گذارد و نه تنها بر ریسک حسابرسی متمرکز می‌نماید بلکه بر ریسک تجاری مشتری نیز تاکید می‌کند زیرا این ریسک می‌تواند بر سودآوری یک شرکت اثر بگذارد و به‌نوعی کلید حیات شرکت است. برای تجزیه و تحلیل این ریسک، حسابرس در پیچه‌ای به عملیات شرکت حفر می‌نماید تا دریابد

سازوکارهای عملیات شرکت چگونه است از این‌رو شرکت با چه ریسک‌های تجاری کوتاه مدت و بلندمدتی روبه‌رو است. به این طریق، حسابرس می‌تواند با ارزیابی مستقل تمامی عوامل موثر بر تجارت و کسب و کار مشتری به مدیریت در کارآمد کردن عملیات یاری رساند.

شاید به‌توان تفاوت‌های حسابرسی سنتی و حسابرسی مبتنی بر ریسک را این‌گونه توصیف کرد: در یک حسابرسی سنتی برای بررسی و ارزیابی صورت‌های مالی حسابرسی و مدیریت شرکت مانند بازیکنان شطرنج در دو طرف یک میز یعنی مقابل هم می‌نشینند و از این‌رو هر کدام زمینه‌ی بازی (تجارت مشتری) را از منظر خود می‌نگرند. اما در حسابرسی مبتنی بر ریسک، حسابرس و مشتری هر دو در یک طرف می‌نشینند. در این وضعیت، مشتری (مدیریت) دارای یک دوست یا شریک است زیرا هر دو واحد تجاری و تجارت آن را از منظری یکسان می‌نگرند.

محدودیت‌های رویکرد سنتی برای تشریح موضوع یک شرکت پیمان‌کاری را در نظر بگیرید. در حسابرسی سنتی، حسابرسان غالباً تصمیمات خود را بر مبنای اهمیت شکل می‌دهند که در این‌جا قاعدتاً درصد (یا کسری) از حجم عملیات پیمان‌کار است. از آنجا که در این نوع حسابرسی تمرکز بر اثبات ارقام درج شده در صورت‌های مالی است، کنترل‌های داخلی شرکت به‌طور وسیع به‌منظور حسابرسی کارا مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد. در پایان حسابرسی هم، حسابرس چیزی را اثبات می‌کند که شرکت قبلاً می‌دانست یعنی شرکت روی برخی کارها سود می‌کند و روی برخی دیگر زیان می‌دهد. سپس شرکت صورت‌حسابی را از حسابرس دریافت می‌کند و فرایند مذکور در سال بعد مجدداً تکرار می‌گردد.

به‌دلیل این که محیط کنترلی تعدادی از شرکت‌های ایرانی ضعیف است، شاید رویکرد فوق، تنها رویکردی باشد که حسابرسان می‌توانند اتخاذ نمایند. اما توجه داشته باشیم که یک محیط کنترل داخلی ضعیف، ریسک فوق‌العاده‌ای دارد و حتماً باید در کانون توجه مدیریت شرکت قرار گیرد. در این حالت حسابرسی مبتنی بر ریسک برعکس حسابرسی سنتی اقدام به شناسایی نقاط ضعف مذکور می‌نماید و از این‌رو به مدیریت کمک می‌نماید تا گام‌های مناسبی را برای تقویت کنترل‌های داخلی بردارد.

مزایای رویکرد مبتنی بر ریسک

حسابرسی مبتنی بر ریسک علاوه بر تمرکز بر ارقام صورت‌های مالی، توجه خود را به شناخت فعالیت تجاری شرکت معطوف می‌نماید زیرا ارقام مذکور حاصل فعالیت‌های مزبور است. شناخت حسابرس شامل شناخت از افراد کلیدی و رهبران شرکت و نحوه‌ی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن‌ها می‌شود. در زیر به برخی مسائلی پرداخته می‌شود که نوعاً در حسابرسی مبتنی بر ریسک آنها توجه می‌شود.

- ساختار خاص واحد تجاری چگونه از رقابیش متمایز می‌شود و حاشیه رقابتی واحد تجاری چیست؟
- مسائل عملیاتی روزمره‌ای که مدیریت کلیدی شرکت با آن مواجه است چیست؟
- مدیریت با مسائل و مشکلات عملیاتی چگونه برخورد می‌کند؟
- برای حصول اطمینان از اجرای مفاد قراردادها، قوانین و مقررات چه کنترل‌های عملیاتی به اجرا در می‌آید؟
- برای حصول اطمینان از این‌که عملیات گزارشگری و حسابداری سال بدون خطا و تقلب باشند چه کنترل‌های داخلی مشخصی اجرا می‌گردد؟

● مدیریت چگونه از صحت اطلاعات مالی مورد استفاده در تصمیمات مهم اطمینان می‌یابد؟
● کارکنان بی‌تجربه در چه کارهایی گمارده شده‌اند؟

به عبارت دیگر، در یک حسابرسی مبتنی بر ریسک، حسابرس مسئول شناخت تمامی ویژگی‌های ساختاری تجاری شرکت تحت حسابرسی است.

مراحل حسابرسی مبتنی بر ریسک ارائه‌ی سطح جدید و برتری از خدمات حرفه‌ای مستلزم روش‌های نوین انجام حسابرسی است. هنگام اعمال رویکرد حسابرسی مبتنی بر ریسک، حسابرسان خود را در برنامه‌ریزی و تجربه و تحلیل اولیه در موقعیتی پیش‌تاز می‌یابند. در این حسابرسی، حسابرس زمان بیشتری را صرف شناخت کنترل‌های عملیاتی و کنترل‌های داخلی شرکت می‌نماید زیرا کنترل‌های مذکور زیربنای عملکرد گزارشگری است. صرف زمان مذکور در مرحله‌ی اولیه کار بسیار سودمند است، زیرا در مرحله‌ی اجرای عملیات حسابرسی، حسابرس درمی‌یابد که پاسخ بسیاری از سوالاتش را قبلاً به دست آورده است. بنابراین به‌طور خلاصه مراحل حسابرسی مبتنی بر ریسک عبارتند از: پرسش افراد کلیدی، مستندسازی کنترل‌ها، و تجزیه و تحلیل اطلاعات.

مرحله‌ی اول: پرسش از افراد کلیدی در این مرحله حسابرس تا جایی که ممکن است با مدیرعامل، مدیرمالی و اداری، مدیران تولید و بازرگانی و تمام افرادی که اهداف و ریسک‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت شرکت را می‌شناسند یا مسئول آنها هستند گفتگو می‌کند. در این نشست‌ها حسابرس می‌خواهد بداند که:
● بزرگ‌ترین ریسک‌هایی که شرکت در سال

بعد و تا ۵ سال بعد با آن مواجه است، کدام‌اند؟

● آیا مدیریت برای مقابله با این ریسک‌ها برنامه‌ای دارد؟

● واحد تجاری در سال جاری با چه مشکلاتی روبروست؟

● چه مسائل خاص دیگری وجود دارد که حسابرس باید از آن‌ها آگاه گردد؟

در این مرحله حسابرس به پیگیری مسائل حسابرسی سال قبل نیز می‌پردازد.

سپس حسابرس به سراغ سطوح پایین‌تر مدیریت می‌رود و از آن‌ها نیز راجع به حوزه‌ی مسئولیت‌شان و مسائل مذکور سوال می‌کند. آن‌گاه حسابرس نشست‌هایی را با وکلا و مشاورین و دیگر عرضه‌کنندگان خدمات حرفه‌ای به مشتری برگزار می‌نماید که حاصل آن می‌تواند اطلاعات سودمندی را برای مرحله برنامه‌ریزی فراهم نماید.

از دیدگاه نظری، نتایج حاصل از فرایند مرحله‌ی اول به حسابرس در تعدیل روش‌های حسابرسی و تدوین انتظارات حسابرسی یاری می‌نماید و از این‌رو شواهد مربوطه حسابرسی در اجرای عملیات تعیین می‌گردد. علاوه براین حسابرس در می‌یابد که نکات جدید و بدیع شرکت کدام است و چگونه وی می‌تواند بیشترین ارزش را برای مشتری‌اش ایجاد نماید.

مرحله‌ی دوم: مستندسازی کنترل‌ها

در این مرحله، کنترل‌های عملیاتی و داخلی مشتری به‌طور تفصیلی مستند می‌گردد. در این مرحله، حسابرس هم چنین به‌طور دائم در مواجه با کنترل‌های عملیاتی و داخلی می‌پرسد "چرا؟" چرا این رویه اجرا می‌شود؟ چرا فلان قرارداد در فرجه زمانی مربوطه به اتمام نرسید؟ مدیریت چه ریسکی را نادانسته پذیرفته است و چرا؟ تمام پرسش‌های پیش‌گفته و پرسش‌های مشابه دیگر می‌تواند برای

مدیریت دردناک و ناخوشایند به نظر برسند. قاعدتاً هیچ مدیریتی دوست ندارد از او راجع به رویه‌ها، روش‌ها و کنترل‌های داخلی حوزه‌ی خود سوال شود. در این مرحله به این نکته اساسی باید توجه نمود که کنترل‌های داخلی محدود به حصول اطمینان از تفکیک وظایف کافی در بخش حسابداری نمی‌گردد، بلکه کنترل‌های دیگری نیز وجود دارند که کاملاً خارج از حوزه‌ی عملیات حسابداری است و ارزیابی آن‌ها ضروری است. از این‌رو به‌منظور اجرای مناسب یک حسابرسی مبتنی بر ریسک، حسابرس باید درک روشن و دقیقی از روش‌های عملیاتی استاندارد واحد تجاری داشته باشد. غالباً از طریق پرسش‌های سخت و دشوار و کمی ناخوشایند، ضعف‌های عمده می‌توانند شناسایی گردند. به‌عنوان مثال برخی از مهم‌ترین پرسش‌های حسابرسی در این مرحله برای یک شرکت پیمانکاری می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

● در فرایند برآوردهای فنی و اقتصادی پروژه‌ها چه نوع نظارتی اعمال شده است و به چه مواردی بی‌توجهی گردیده است؟
● آیا برآوردکنندگان، پیشنهادهای خود را بدون یک بررسی ثانویه به مدیریت ارجاع داده‌اند؟

● مدیریت چگونه و با چه ابزاری از تخصیص مطلوب مخارج تجهیزات به پروژه‌ها اطمینان حاصل می‌کند؟

● پارامترهای مندرج در قرارداد یا نوع قرارداد (امانی یا مقطوع) چگونه ارزیابی و اجرا شده‌اند؟

این نوع سوالات و پاسخ‌های دریافتی آن‌ها لازمه‌ی موفقیت یک حسابرسی مبتنی بر ریسک است.

مرحله‌ی سوم: تجزیه و تحلیل اطلاعات در مرحله‌ی سوم، پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی، روش‌ها و برنامه‌ی

است که از آن نمی‌توان برای تمامی حسابرس‌ها استفاده کرد. برعکس، براساس تحقیقات نظری و عملی انجام گرفته در برخی کشورها نه تنها روش‌شناسی این رویکرد به فن پیچیده و بالایی نیاز ندارد، بلکه منابع حاصل از صرف زمان بیشتر در برنامه‌ریزی حسابرسی، بیش از هزینه‌های عدم استفاده از این رویکرد است. هم‌چنین حسابرسی مبتنی بر ریسک را می‌توان برای انواع حسابرسی به کار گرفت و آن را برای حسابرسی موسسات خصوصی و دولتی و عمومی اعمال نمود.

البته حسابرسی مبتنی بر ریسک با ریسک‌های مشخصی نیز روبرو است. استفاده از حسابرس بی‌تجربه، بی‌توجهی به تغییرات محیطی و تجاری شرکت تحت حسابرسی، تکیه برداشتن تجربی مشتری و دانش قبلی حسابرس و عدم توجه به ویژگی‌های خاص صنعت از جمله این ریسک‌ها است.

منابع و ماخذ

- 1- Alan Oliphant, 2002 "Using Risk Models to Determine Information Risk Levels. New it Auditor, Vol.5, October 1, 2002
- 2- Maribeth A.Wollard. 2002 "Risk-Based Auditing: is it Right for you?" Florida CPA Netlink.
- 3- Thomas F.Bayer., 1999, "Risk-based Auditing: A New Approach", CFMA Building Profits, September/October.
- 4- Vicky M.Dalton, 1992. "Risk Assessment in Audit Selection", Internal Audit, Spokane Country March.
- 5- Ashutosh Deshmukh, Jeff Romire, 1995 "Assessing the Risk of Management Fraud Using Red Flags: a Fuzzy Numver Based Spread sheet Approach, South-Western Collage Publishing.

- حاشیه‌ی سودآوری
- مبلغ هزینه دستمزد در قرارداد
- وجود مفاد یا قیود قرارداد هم‌چون جریمه‌ی تاخیر تکمیل و غیره
- وجود موارد نقض مفاد قرارداد
- سایر مشکلات مندرج در یادداشت‌های مبتنی بر پرسش‌ها

روش‌های تحلیلی حسابرسی عمدتاً به حسابرس امکان می‌دهد تا آزمون‌های تفصیلی زمان را به حداقل کاهش دهد. از آن‌جا که روش‌های تحلیلی فراهم‌کننده‌ی شواهد ارزشمندی است، بنابراین حسابرسی نه تنها اثربخش‌تر بلکه کارا تر نیز می‌گردد. حسابرسی مبتنی بر ریسک یک نمونه واقعی از شرایط دستیابی به سود دوجانبه‌ی حسابرس و مشتری است. از این‌رو در آینده به تدریج دیگر هیچ‌کس حاضر نخواهد بود چیزی را راجع به حسابرسی سنتی بشنود.

خلاصه و نتیجه‌گیری

به‌طور خلاصه، حسابرسی مبتنی بر ریسک نه تنها نقش ارزش‌افزایی حسابرسی برای محصول (صورت‌های مالی) مشتری را تثبیت می‌کند بلکه کار حسابرسی را سودآورتر می‌سازد. به‌عبارت دیگر، حسابرسی مبتنی بر ریسک این امکان را فراهم می‌سازد تا در پایان کار هر دو طرف، مدیران و حسابرسان، احساس رضایت کنند. ارزیابی ریسک به حسابرس کمک می‌کند تا با کمک ارزشمند خود به مشتری که برای تقویت عملیات صورت می‌گیرد رویکردی فعال داشته باشد.

دلایل عدم گسترش استفاده از رویکرد حسابرسی مبتنی بر ریسک در موسسات حسابرسی شامل فقدان اطمینان از اعمال قضاوت‌های مربوط به ریسک حسابرسی، نیاز فراوان به دانش تخصصی ریسک‌ها، فقدان زمان برای برنامه‌ریزی نوع جدید راهبرد کار حسابرسی و این تلقی نادرست

حسابرسی صورت‌بندی می‌شود. در این‌جا هدف اصلی آن است که تا حد ممکن به‌جای آزمون‌های تفصیلی از روش‌های تحلیلی در حسابرسی استفاده شود. اگر حسابرس به این اعتقاد دست یابد که کنترل‌های داخلی شرکت اثربخش‌اند، وی آزمون‌های تفصیلی را محدود می‌کند و به جای آن از آزمون‌های کنترلی بیشتری استفاده می‌کند. در صورتی که ریسک‌ها و کنترل‌ها به‌طورکافی شناسایی و ارزیابی شده باشند، آن‌گاه حسابرس می‌تواند بر مبنای انتظارات تعیین شده روش‌های تحلیلی را صورت‌بندی کند و از این‌رو محدوده‌هایی از اطلاعات مالی مورد حسابرسی را مشخص سازد. از آن‌جا که حسابرس براساس تحقیقات مرحله‌ی قبل، اطلاعات لازم را از اعضای کلیدی مدیریت به‌دست آورده است، در این مرحله می‌تواند بر مبنای این اطلاعات روش‌های تحلیلی خود را استوار سازد. حال در صورتی که ارقام صورت‌های مالی، انتظارات حسابرس را برآورده نسازد، آن‌گاه ناچار می‌شود روش‌های حسابرسی جزئیات معاملات را گسترش دهد.

به‌عنوان مثال، در حسابرسی پیمانکاری‌ها جدول عملکرد پروژه‌ها محور اصلی اطلاعات حسابرسی را تشکیل می‌دهد. از این‌رو در مرحله‌ی سوم جدول مذکور به‌طور جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا پروژه‌های پرریسک تعیین شوند. موارد زیر بیانگر برخی از عمده‌ترین عواملی هستند که در این تصمیمات حسابرسی مورد استفاده قرار می‌گیرند:

- حجم و مبلغ قرارداد
- درصد تکمیل کار در تاریخ ترازنامه
- نوع قرارداد (امانی یا مقطوع)
- تجربه پیمانکار در نوع و مشخصات قرارداد
- کارکنان کلیدی درگیر در قرارداد (نظارت و مدیریت پروژه)